

پوپولیسیم

ایدئولوژی، جنبش، دولت

ضرورت طرح مسأله پوپولیسیم ناشی از ویژگی‌های مبارزه طبقاتی در شکل‌بندی‌های اجتماعی عقب مانده در مرحله گذار به سرمایه‌داری است¹ که در آن آرایش طبقاتی جامعه شکل ویژه‌ای بخود می‌گیرد. نحوه بسط مبارزه طبقاتی و تضادها و سازش‌های میان نیروهای اجتماعی، از این آرایش ویژه تأثیر می‌پذیرد. برای شناخت این ویژگی‌ها می‌بایست شکل خاص توسعه سرمایه‌داری در کشورهای عقب مانده را مورد توجه قرار دهیم تا از خلال آن به چگونگی شکل‌گیری طبقات و تضادها و سازش‌های میان آنها پی ببریم و نیز چگونگی تأثیر نیروهای اجتماعی را بر توسعه سرمایه‌داری دریابیم.

در ابتدا خلاصه‌ای از خصلت یا بی‌پوپولیسیم را در سه راستا - پوپولیسیم به مثابه ایدئولوژی، پوپولیسیم به مثابه جنبش و پوپولیسیم به مثابه دولت - خواهیم آورد و سپس به زمینه‌های مادی بروز ایدئولوژی، جنبش‌ها و دولت‌های پوپولیست خواهیم پرداخت و با نقد تئوری‌های رایج درباره سرمایه‌داری وابسته طرحی کلی از چگونگی بسط سرمایه‌داری در کشورهای توسعه نیافته ارائه خواهیم داد تا از طریق آن به خطوط کلی ویژگی‌های پویا شکل‌گیری طبقات و نیروهای اجتماعی و دست یابیم.²

پوپولیسیم به مثابه ایدئولوژی: نفي سرمایه دارانه سرمایه‌داری

پوپولیسیم به مثابه ایدئولوژی بازگوکننده عام‌ترین وجه پوپولیسیم است و لذا ایدئولوژی‌های پوپولیستی منحصر بشکل بندی‌های اجتماعی عقب مانده نمی‌باشند. بطور کلی پوپولیسیم به مثابه ایدئولوژی، اعم از شکل مذهبی یا غیر مذهبی آن، عکس‌العملی است علیه تغییرات اقتصادی، اجتماعی و سیاسی ناشی از رشد سرمایه‌داری صنعتی و شهری این عکس‌العمل نه بر مبنای شناخت مسیر تاریخ (ماتریالیسم تاریخی) بلکه بر مبنای نوعی واپس‌گرایی و گرایش به گذشته قرار دارد. خواست رجعت به گذشته در ایدئولوژی پوپولیستی ممکن است به شکلی آشکار (بازگشت به تولید خرد یا بازگشت به سرمایه‌داری کوچک و مستقل و غیره) و یا به شکلی تلویحی (مثال: سوسیالیسم تخیلی که در واقع در حکم دفاع از نوعی از تولید خرد ما قبل سرمایه‌داری بود و در عمل در نهایت منجر به بقای روابط سرمایه‌داری می‌شد) مطرح شود.

ایدئولوژی پوپولیستی در مقابل تغییرات اقتصادی و اجتماعی ناشی از بسط مناسبات سرمایه‌داری و تضادهای طبقاتی که حاصل این بسط است، عکس‌العمل نشان می‌دهد و در صدد رفع تضادها و مشکلاتی است که مناسبات جدید به همراه آورده است؛ لیکن رفع این تضادها در نظر ایدئولوژی‌های

¹ - بطور کلی مسأله پوپولیسیم جزئی از مسأله گذار به سرمایه‌داری ر شکل بندی‌های اجتماعی است که این گذار در آنها با تأخیر (نسبت به سرمایه‌داری به اصطلاح کلاسیک) صورت می‌گیرد. روسیه و نیز کشورهای بااصطلاح توسعه نیافته امروزی جزو این شکل‌بندی‌ها محسوب می‌گردند. البته باید توجه داشت که شرایط تاریخی (داخلی و بین‌المللی) روسیه در قرن 19 و کشورهای توسعه نیافته امروزی در قرن 20 متفاوت است و این امر تفاوت‌هایی را در پوپولیسیم آنها موجب می‌گردد.

² - مقالاتی که به عنوان ضمیمه این بحث آورده شده، خود بسیاری از وجوه مهم مسأله پوپولیسیم را روشن می‌کند و در این خلاصه به این وجوه تنها اشاره خواهد شد.

پوپولیستی نه با بسط بیشتر سرمایه‌داری (و رشد پرولتاریای صنعتی که ملازم آن است) بلکه از طریق نفی این بسط مقدور است؛ در این معنا پوپولیسم به نفی سرمایه‌داری دست می‌زند، ولی راه‌حل دیگری که به عوض سرمایه‌داری پیش پا می‌گذارد خود چیزی جز حفظ سرمایه‌داری (به اشکال متنوع آن) یعنی حفظ اشکال ابتدائی‌تر سرمایه‌داری (نوع ملی و یا تولید خرد) نیست. بدین ترتیب ایدئولوژی پوپولیستی در حقیقت می‌خواهد سرمایه‌داری را از طریق جایگزین کردن مراحل عقب‌مانده‌تر سرمایه‌داری از بین ببرد و باصطلاح "عدالت اجتماعی" را با رجعت به مراحل اولیه توسعه شیوه تولید سرمایه‌داری بوجود آورد.

از اینجا تشابه ایدئولوژی‌های پوپولیستی با "سوسیالیسم تخیلی" نمایان می‌گردد؛ سوسیالیسم تخیلی نیز در مرحله گذار به شیوه تولید سرمایه‌داری بوجود آمد و نظام سرمایه‌داری در حال گسترش را از دیدگاه "عدالت اجتماعی" (به روایت خرده بورژوازی یا بورژوازی کوچک) مورد انتقاد قرار می‌داد و راه‌حلی که در مقابل جامعه می‌گذرد چیزی جز اشکال متفاوتی از تولید سرمایه‌دارانه (در مقیاس کوچک‌تر و عادلانه‌تر) نبود. از طرف دیگر خصلت اوتوپستی (تخیلی) ایدئولوژی‌های سوسیالیسم تخیلی در ایدئولوژی‌های پوپولیستی به چشم می‌خورد. هر دو ایدئولوژی "سرمایه‌داری کوچک" (!) را عادلانه‌تر از "سرمایه‌داری بزرگ" (!) می‌دانند و بدین ترتیب گرایش به انباشت و تمرکز را که ذاتی سرمایه‌داری است نادیده می‌گیرند.³

هیچ يك از این دو ایدئولوژی نظام سرمایه‌داری را از دیدگاه پرولتاریا مورد انتقاد قرار نمی‌دهند و انتقاد آنها به این نظام از نوع انتقادات "خرده بورژوائی" به نظام سرمایه‌داری است. بدین ترتیب ایدئولوژی‌های پوپولیستی و ایدئولوژی‌های سوسیالیسم تخیلی هیچ يك نه راه به گذشته می‌برند و نه به آینده. نه می‌توانند مسیر تاریخ را معکوس گردانند و به "دوران خوش گذشته بازگردند" و نه می‌توانند با تکیه بر تکیه‌گاه پرولتاریا و نقد پرولتری نظام سرمایه‌داری راه آینده را در پیش گیرند. تا آنجا که به شرایط تاریخی مربوط می‌شود ایدئولوژی‌های سوسیالیسم تخیلی در مرحله گذار به سرمایه‌داری "مرکزی" (ر.ک به "سرمایه‌داری پیرامونی")، یعنی در دوره گسترش روزافزون نظام سرمایه‌داری در سطح جهانی بوجود آمده و از همین رو در مقابل این گسترش، یعنی در مقابل گسترش روزافزون صنعتی و سازمان‌یابی پرولتاریای صنعتی به تدریج جای خود را به سوسیالیسم علمی، یعنی ایدئولوژی پرولتاریا در مرحله گذار از سرمایه‌داری به سوسیالیسم داد. در واقع تشدید قشربندي اجتماعی و بوجود آمدن نیروهای اجتماعی و خاصه رشد جنبش کارگری در سرمایه‌داری "مرکزی" زمینه پشت سر گذاردن ایدئولوژی‌های سوسیالیسم تخیلی را فراهم آورد. لیکن ایدئولوژی‌های پوپولیستی هر چند از خصلت‌های عام دارای وجوه تشابهی با ایدئولوژی‌های سوسیالیسم تخیلی هستند، ولی از نظر شرایط تاریخی اوج‌گیری ایدئولوژی پوپولیستی در رابطه است با گذار به سرمایه‌داری "پیرامونی" و این خود زمینه تبدیل این ایدئولوژی‌ها را به جنبش‌های اجتماعی و گاهی به دولت‌های پوپولیستی فراهم می‌آورد. چنانکه در بحث درباره سرمایه‌داری پیرامونی خواهیم دید، این گذار به واسطه شرایط تاریخی و نیز شرایط ساختی دارای ویژگی‌هایی است که در آرایش طبقاتی جامعه و نحوه سازمان‌یابی نیروی کار و شکل‌گیری پرولتاریای صنعتی تأثیر می‌گذارد. به بن‌بست خوردن سرمایه‌داری در این کشورها زمینه اوج‌گیری ایدئولوژی‌های پوپولیستی را فراهم می‌آورد و این ایدئولوژی‌ها می‌توانند در این حالت، یعنی با این زمینه مادی، خود را به عنوان "محلی" در مقابل جامعه مطرح سازند، در این حالت هر چند که سرمایه‌داری به عنوان يك راه‌حل دچار بن‌بست می‌شود ولی از سوی دیگر پرولتاریا نیز بواسطه شرایط ساختی

3 - ر. ک. به لنین: "محتوای اقتصادی نارودیسم (....)" مجموعه آثار، جلد 1. لنین: "دموکراسی و نارودیسم در چین". در همین دفتر لنین: "میراثی که از آن چشم می‌پوشیم". در همین دفتر

جامعه و آرایش طبقاتی قادر به ارائه راه حل خاص خود نیست. این وضعیت شرایط را برای رشد ایدئولوژی پوپولیستی و غلبه آن بر جنبش‌های اجتماعی فراهم می‌آورد و این ایدئولوژی می‌تواند با نفي لزوم رهبري پرولتاریا برای تحولات انقلابی در نظام سرمایه‌داری در عصر حاضر، در ظاهر به نفي سرمایه‌داری بپردازد ولی در اصل به حفظ مناسبات سرمایه‌داری همت گمارد. در این معنا این ایدئولوژی به واسطه حمایت از اشکال ابتدائی‌تر تولید سرمایه‌داری، در حقیقت سازمان‌یابی پرولتاریای صنعتی و تمرکز و تشکل آن را نیز نفي می‌کند (چرا که اساساً ضرورت تمرکز و انباشت سرمایه را نفي می‌کند) و در عمل (در صورت غلبه بر جنبش) آن را به تعویق می‌اندازد. لنین خصلت ایدئولوژی پوپولیستی را تحت عنوان "نفي سرمایه‌داری" بیان می‌کند.

بنابراین باید گفت که هر چند ایدئولوژی‌های پوپولیستی عمدتاً "مربوط به مرحله گذار به شیوه تولید سرمایه‌داری هستند، لیکن زمینه رشد آن و خاصه تبدیل آن به جنبش‌های اجتماعی نه در هر شکلی از گذار به سرمایه‌داری، بلکه در شکل خاصی از گذار - گذار به سرمایه‌داری پیرامونی - فراهم می‌آید. پس این در واقع خصلت‌های عام مرحله گذار به سرمایه‌داری (همزیستی شیوه‌های تولید و غیره) نیست که تبدیل ایدئولوژی‌های پوپولیستی به جنبش اجتماعی را باعث می‌گردد، بلکه خصلت‌های ویژه گذار (نگاه کنید به "سرمایه‌داری پیرامونی") به شیوه تولید سرمایه‌داری است که این زمینه را فراهم می‌آورد.

با توجه به این شرایط تاریخی رشد ایدئولوژی‌های پوپولیستی در سرمایه‌داری پیرامونی، حال به تشریح برخی از عناصر مهم ایدئولوژی‌های پوپولیستی می‌پردازیم.

1- بطور کلی ایدئولوژی پوپولیستی "شیوه زندگی روستائی" (عمدتاً "پیش سرمایه‌داری) را ارج می‌نهد و از آن در مقابل "شیوه زندگی شهری" (عمدتاً "سرمایه‌داری) دفاع می‌کند، زندگی روستائی و تولید بخاطر مصرف، فارغ از پیچیدگی‌ها و دشواری‌های زندگی شهری در ایدئولوژی پوپولیستی به عنوان نمونه یک "زندگی آرام" در نظر گرفته می‌شود. ایدئولوژی پوپولیستی در مقابل تحولات ناشی از شهرنشینی که با رشد شیوه تولید سرمایه‌داری ملازمه دارد حیرت زده شده و خط سیر تحولات را گم می‌کند. تحولات و نابسامانی‌ها را "غیرضروری" و "اجتناب‌پذیر" می‌شمارد و در برابر آن "زندگی آرام و دوران خوب گذشته" را تبلیغ می‌کند.

2- ایدئولوژی پوپولیستی زمین را به عنوان عامل اصلی زندگی و تولید و بهزیستی در نظر می‌گیرد و داشتن زمین را به عنوان اصلی زندگی و تولید و بهزیستی در نظر می‌گیرد و داشتن زمین را مترادف خوشبختی انسان می‌شمارد. (انجام اصلاحات ارضی نیز در رابطه با همین مسأله است: ر. ک. به لنین: "دموکراسی و نارودیسیم در چین").

3- ایدئولوژی پوپولیستی بطور کلی ارزش مصرفی را در مقابل ارزش مبادلاتی ارج می‌نهد. هر فعالیتی که تولید ارزش مصرفی در آن غالب باشد از نظر ایدئولوژی پوپولیستی قابل ارج و انسانی است، در حالیکه فعالیت‌هایی که بتدریج تولید ارزش مبادلاتی در آن‌ها غالب می‌گردد، غیرقابل اعتماد و غیر انسانی هستند. جانشین شدن روابط خانوادگی بوسیله "قرارداد اجتماعی" و بطور کلی از میان رفتن روابط پیش سرمایه‌داری در این ایدئولوژی امری نامطلوب به شمار می‌رود.

4- ایدئولوژی پوپولیستی در قالب مفاهیمی چون "ملت"، "توده" (امت) و غیره می‌اندیشد؛ مفهوم طبقه در این ایدئولوژی جایی ندارد، این ایدئولوژی تضادهای طبقاتی را امری قابل "اصلاح" و اجتناب‌پذیر می‌داند و اصل را بر "واحد بودن ملت" قرار می‌دهد و نه بر ناهمگون و طبقاتی بودن "ملت". این ایدئولوژی در برخورد با تضادهای طبقاتی، موضع ماورای طبقاتی اتخاذ می‌کند و "آتشی طبقاتی" را به عوض "مبارزه طبقاتی" تبلیغ می‌کند.

5- ایدئولوژی‌های پوپولیستی در شکل‌بندی‌های اجتماعی "عقب‌مانده" دارای خصلت‌های ناسیونالیستی است و همواره "خودی" را بر "بیگانه" ترجیح می‌دهد. این ایدئولوژی مبارزه با امپریالیسم را تحت عنوان مبارزه با اجنبی مخدوش می‌سازد. "بازگشت به خویش" (اعم از اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی و غیره) که خود آمیخته به ناسیونالیسم است یکی از عناصر مهم این ایدئولوژی است. در برابر تحولات ناشی از بسط مناسبات سرمایه‌داری این ایدئولوژی که این تحولات را ناشی از اراده و عمل "امپریالیسم" می‌داند، رجعت به ارزش‌های اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی ملی را تجویز می‌کند. در این ایدئولوژی مبارزه با سرمایه‌داری از مجرای بازگشت به ارزش‌ها و مناسبات "خودی" می‌گذرد و نه از مجرای تشدید مبارزه طبقاتی پرولتاریا.

6- ایدئولوژی پوپولیستی دقیقاً به خاطر نفی سرمایه‌داری از یک سو و نفی ضرورت رهبری پرولتاریا در عصر حاضر از سوی دیگر، همواره "راه سوم" را تبلیغ می‌کند (مثال: نه شرقی، نه غربی): این راه به زعم این ایدئولوژی نه سرمایه‌داری و نه سوسیالیسم است. "راه سوم" در ایدئولوژی پوپولیستی در شکل‌بندی‌های اجتماعی "عقب‌مانده" اشکال بسیار متنوعی بخود می‌گیرد، ولی خصلت مشترک همه این اشکال، اعتقاد به برقرار مناسبات اقتصادی و اجتماعی‌ای است که نه در قالب سرمایه‌داری می‌گنجد و نه در قالب سوسیالیسم. این امر خود خصلت اتوپیستی این ایدئولوژی را نمایان‌تر می‌سازد.

پوپولیسم به مثابه جنبش سیاسی

پوپولیسم به مثابه جنبش سیاسی ویژه شکل‌بندی‌های اجتماعی "عقب‌مانده" است. خصلت این جنبش "کثیرالطبقه‌ای" بودن آن است. کثیرالطبقه‌ای بودن به معنی "اتحاد طبقاتی" بر پایه منافع تاریخی مشترک و مشخص نیست، بلکه به عکس به معنی نامتمایز بودن مرزهای طبقاتی در این جنبش است. نیروهای اجتماعی ناهمگون و گاه متضادی که در این جنبش گرد می‌آیند در کل "پیمان پوپولیستی" را تشکیل می‌دهند. جنبش پوپولیستی جنبه "طغیان توده‌ای" دارد و خواست اقشار و نیروهای مختلف شرکت‌کننده در آن نه به صورتی مشخص و آگاهانه بلکه به شکلی از خود بیگانه مطرح می‌گردد. خواست‌های نیروهای اجتماعی در جنبش پوپولیستی نه از طریق احزاب، سندیکاها و طرق مشابه آن بلکه از طریق یک رهبر بیان می‌شود، بهمین خاطر رهبری جنبش‌های پوپولیستی، که در مرکز پیمان پوپولیستی قرار دارد، نقشی به غایت مهم و "شبه الهی" charismatic می‌یابد. پیمان پوپولیستی و رهبر پوپولیست عمدتاً بیانگر ایدئولوژی هستند: بنابر ماهیت این ایدئولوژی، یعنی بخاطر تضادهای موجود میان این ایدئولوژی و واقعیت‌های مادی (خصلت اتوپیستی) عوام‌فریبی نقش مهمی را در آن ایفا می‌کند.

جنبش پوپولیستی اساساً شهری است و نیروی فعال خود را از تهیدستان شهری بدست می‌آورد و بسیاری از عناصر ایدئولوژیک اقشار تهیدست در ایدئولوژی پوپولیستی بازتاب می‌یابد (ر. ک. به "تهیدستان شهری"). عمده شدن این اقشار به عنوان نیروی فعال در جنبش‌های پوپولیستی و نفوذ جهان‌بینی آنها در ایدئولوژی‌های پوپولیستی، ناشی از آرایش طبقاتی خاص جامعه در مرحله گذار به سرمایه‌داری پیرامونی است.

علت وجود آمدن جنبش‌های کثیرالطبقه‌ای پوپولیستی در شکل‌بندی‌های اجتماعی "عقب‌مانده" را باید در ضعف افتراق طبقاتی (ضعف مقوله "طبقه برای خود") و بقای سازمان‌یابی‌های عقب مانده تولیدی جستجو کرد. در این حالت مرزهای طبقات هنوز روشن و متمایز نشده و میان آنها تداخل وجود دارد. خواست‌های اقشار و طبقات در قلمروهای "غیر طبقاتی" و "عام" (ملی) مطرح می‌شود و این خود ناشی از زمینه مادی تداخل فعالیت‌های اقتصادی (بی‌ثباتی اشتغال و ناپایداری اشتغال) است.

"پیمان پوپولیستی" محل گرد آمدن نیروهای اجتماعی ناهمگون و گاه متضاد است و این امر شکنندگی و تضادهای متعددی را در جنبش‌های پوپولیستی موجب می‌گردد. این تضادها خاصه زمانی شدت می‌گیرند که "پیمان پوپولیستی" به قدرت می‌رسد و دستگاه و قدرت دولت را در اختیار می‌گیرد.

پوپولیسم به مثابه دولت

دولت پوپولیستی حاصل به قدرت رسیدن "پیمان پوپولیستی" است. این دولت ماهیتاً یکی از اشکال دولت سرمایه‌داری است و در جهت حفظ مناسبات سرمایه‌داری عمل می‌کند.

دولت پوپولیستی برخلاف دولت‌های بناپارتیستی، ناشی از تعارض استثنائی (توازن طبقاتی) میان بورژوازی و پرولتاریا نیست، بلکه محصول تضادهائی است که از یک سو در بطن طبقات مسلط (فراکسیونهای مختلف بورژوازی و میان بورژوازی و الیگارشی زمیندار) و از سوی دیگر میان طبقات مسلط و سایر طبقات اجتماعی (مسامحتاً خلق) وجود دارد.⁴ علت این وضعیت، یعنی عدم قاطع بودن تضاد میان بورژوازی و پرولتاریا را باید در پویای شکل‌گیری طبقات در سرمایه‌داری پیرامونی و ضعف افتراق طبقاتی در مرحله گذار به سرمایه‌داری پیرامونی جستجو کرد.

دولت پوپولیستی در مرکز سیستمی متشکل از نیروهای اجتماعی ناهمگون و بالقوه متضاد قرار دارد و این امر به اقدامات و حرکات این دولت نامنظمی ویژه‌ای را می‌بخشد که ناشی از ناهمگونی نیروهای اجتماعی گرد آمده در "پیمان پوپولیستی" است. به مجرد به قدرت رسیدن "پیمان پوپولیستی" افتراق در درون پیمان آغاز می‌شود و قطب‌بندی جامعه شدت می‌گیرد. نیروهای اجتماعی درون پیمان پوپولیستی در قدرت، سعی می‌کنند هر یک پیمان را به نفع خود سمت دهند و این امر به اقدامات دولت پوپولیستی خصلت‌های متضاد می‌دهد.

شدت و یا ضعف پویای افتراق در درون پیمان پوپولیستی و رشد تضادهای درونی آن رابطه مستقیمی با درجه توسعه سرمایه‌داری پیرامونی دارد. دولت پوپولیستی در شرایطی که سرمایه‌داری از بسط اندکی برخوردار است، می‌تواند با گرد آوردن نیروهای اجتماعی با ایدئولوژی ملی، توسعه اقتصادی را تحت مناسبات سرمایه‌داری تأمین گرداند. در این حالت دولت پوپولیستی از نظر رشد نیروهای مولد در چهارچوب سرمایه‌داری می‌تواند "مترقی" به حساب آید و این امر گسستن "پیمان پوپولیستی" را به تعویق می‌اندازد.

در شرایط دیگری، یعنی در شرایطی که سرمایه‌داری از بسط نسبتاً زیادی برخوردار است، دولت پوپولیستی با تکیه بر ناسیونالیسم و "مبارزه ضد امپریالیستی" (به مفهوم پوپولیستی آن که در بخش ایدئولوژی پوپولیستی آورده شد). تا حدی مناسبات سرمایه‌داری را دچار وقفه می‌سازد (بخاطر بسط سرمایه‌داری و افزایش ارتباط ارگانیک سرمایه‌داری با بازار جهانی) ولی دارای پایه‌ای واقعی و مادی برای رشد نیروهای مولد در چهارچوب سیستم سرمایه‌داری نیست. (زیرا این رشد قبلاً صورت گرفته است) و این امر گسیختگی "پیمان پوپولیستی" و قطبی شدن نیروهای اجتماعی را سرعت بیشتری می‌بخشد و عمر دولت پوپولیستی را بسیار کوتاه می‌کند.⁵

تشکیل دولت‌های پوپولیست و به قدرت رسیدن "پیمان پوپولیستی" به معنی کنار رفتن بورژوازی از صحنه سیاسی نیست؛ بورژوازی همواره در "پیمان پوپولیستی" حضور دارد و مترصد اعمال

4 - اینکه این تعارض در چه مقطعی از بسط سرمایه‌داری پیرامونی بوجود می‌آید، مسأله‌ای است که از بحث فعلی خارج است و نیازمند تحلیل شرایط مشخص است.

5 - ر. ک. به "تاریخچه مختصر پوپولیسم در شیلی"، فرناندو میرز، در همین دفتر.

هژموني خود بر اين پيمان است، زمينه اعمال هژموني پرولتاريا با سرعت گرفتن گسيختگي "پيمان پوپوليستي" بيشتتر فراهم مي آيد.

برخي از خصلت هاي دولت هاي پوپوليست را به شرح زير مي توان بيان كرد:

- 1- رشد عظيم قوه مجريه نسبت به قواي ديگر و بر هم خوردن تفكيك قواي دولت
- 2- ادغام سنديكاهاي كارگري در دستگاه دولت و برقراري سيستمي منشكل از دولت حزب و سندیکا؛

3- افزايش عملكردهاي اقتصادي دولت.

* * *

چنانكه گفتيم بروز ايدئولوژيها، جنبش ها و دولت هاي پوپوليست در رابطه است با شكل خاصي از گذار به سرمايه داري، كه آنرا تحت عنوان گذار به سرمايه داري پيراموني بيان كرديم. در حقيقت آن شرايط مادي كه منجر به بروز پوپوليسم مي شود عبارت است از شكل خاص گذار به سرمايه داري در كشورهاي "توسعه نيافته" براي بررسي اين شرايط لازم است ويژگي هاي اين شكل خاص از گذار را بيشتتر بررسي كنيم. براي اينكار ابتدا به مسأله "سرمايه داري وابسته" مي پردازيم.